

## مراسم ازدواج در شهرستان کوهدشت

رحمان باقری<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی مراسم ازدواج (سور) و مراحل آن در شهرستان کوهدشت، محور اصلی این مقاله است؛ برای نیل به این امر از روش‌های میدانی، کتابخانه‌ای و ابزارهای مصاحبه و مشاهده در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. سور یا عروسی در میان مردمان کوهدشت، مجموعه‌ای از سنن، عرف و قوانین کهن ایلی همراه با پیش‌های اعتقادی و دینی به جای مانده از روزگار است. آنچه در مراسم عروسی این دیار قابل توجه به نظر می‌رسد، روح همکاری و تعاون مردم کوهدشت و اهالی محل و همسایگان در هنگام اجرای آن است که هنوز هم حفظ شده است. طی این مراسم افراد بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و حس همبستگی قومی و قبیله‌ای آنان بیشتر نمود پیدا می‌کند چنان که حتی اگر کینه و کدورتی از یکدیگر داشته باشند، از یاد می‌برند و دوستی و یکدلی را جایگزین آن می‌کنند.

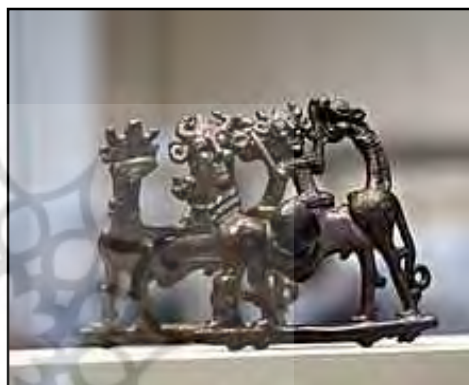
توجه به آداب و سنن محلی در برنامه‌های مختلف رسانه ملی می‌تواند هدف‌های چندی را پوشش دهد. نمایش این آداب و سنن علاوه بر احیای هویت ملی و تأکید بر اشتراکات فرهنگی، برخی سنت‌های رفتاری نیکو را نیز در جامعه احیا می‌کند. ساخت برنامه‌های نمایشی و تأکید بر این جنبه‌ها می‌تواند با استفاده از این داده‌ها انجام پذیرد.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج، سور، ازدواج در کوهدشت، تعاون در عروسی، آیین‌های لرستان

## مقدمه

لرستان، پیشینه‌ای کهن و تاریخی درخشان به قدمت چهار هزار سال دارد. آثار کشف‌شده از غارهای متعدد، از جمله غار «یافته» و غار «قمری» بیانگر قدمت تاریخی این استان است. از این رهگذر، علاوه بر مطالعه و معرفی آثار فرهنگ مادی این خطه، پژوهش‌های علمی درباره فرهنگ غیرمادی که از طریق منابع نوشتاری و خطی، سینه به سینه نقل می‌شود جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بی‌گمان ارزش علمی پرداختن به فرهنگ مردم در

لرستان، با پژوهش‌ها و تحقیق‌های گسترده و همه‌جانبه مردم‌شناسی این دیار برابری می‌کند. ارزش‌های نهفته در این مراسم و بازشناسی کلیه آداب و رسوم آن می‌تواند از منابع عمده مطالعاتی برای تمام رشته‌های مرتبط با آن (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و...) به شمار آید.



امروزه نسل جوان، تشنه بازنگری در خود، بازگشت به خویشتن خویش و نگاهداشت این ارزش‌ها و فرهنگ است. تاکنون معدود افرادی برای گردآوردن این آداب و سنن گام‌هایی برداشته‌اند که البته کافی نیست و باید گسترش یابد تا بتوانند آنچه را از پدرانشان به آنان رسیده است، به فرزندان خود منتقل کنند.

فرهنگ یا تمدن با مفهوم گسترده‌ای که در قوم‌نگاری دارد، مجموعه‌ای پیچیده شامل دانش‌ها، باورها، هنرها، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و دیگر عادات و توانایی‌هایی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه، دارای آن است.

وضع فرهنگ در جامعه‌های گوناگون بشری تا آنجا که بتوان بر پایه اصول کلی در مورد آن پژوهش کرد، موضوعی مناسب برای مطالعه قوانین اندیشه و عمل انسان است. (کوزو، ۱۳۷۸: ۴۴) در واقع، فرهنگ عبارت از مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها،

احساسات و اعمال کم و بیش صریحی است که از جانب اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است. (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۸)

برای سنن و آداب و رسوم سه ویژگی در نظر گرفته می‌شود:

۱. رواج و اجرای آن در یک جامعه عمومیت داشته باشد.
۲. اجرای آن در جامعه تداوم داشته باشد و دست کم از یک نسل به ارث رسیده باشد.
۳. افراد به طور خودبه‌خودی و به صورت عادی، بدون اینکه مجبور باشند، به آن عمل کنند. (همان: ۴۰)

ریشه و وابستگی‌های سنن قومی، هر قدر هم جزئی و به اصطلاح کم‌اهمیت باشد، در مجموع و در ارتباط با یک پدیده فرهنگی مشخص است که خصوصیات یا تمایز فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر مقدر می‌سازد و تصویر «هویت فرهنگی» به یک جامعه را رنگ می‌بخشد. برخی، فرهنگ مردم یا فولکلور را عبارت از باورها و اعمال گروهی می‌دانند که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آن بر حسب عادت، تقلید، چشم‌همچشمی و سرگرمی صورت می‌گیرد مانند مراسم و باورهای پیرامون تولد، ازدواج و سایر آداب و سنن. (همان: ۸۱)

بنابر این تعاریف و تعابیر، روشن است که نمی‌توان فرهنگ و فولکلور را مترادف یا معادل یکدیگر دانست بلکه باید گفت که فولکلور، جزئی از مجموعه اعمال و رفتار فرهنگی جامعه است.

## شهرستان کوهدشت

شهرستان کوهدشت در غرب استان لرستان قرار دارد. این شهرستان شامل ۵ بخش و ۹ دهستان است.

تمام مردم شهرستان کوهدشت پیرو دین اسلام و شیعه‌مذهب هستند و زبان رایج در این منطقه، لکی و لری است.

طوایف و تیره‌های ساکن در کوهدشت به شرح زیرند:

۱. آدینه‌وند که شامل شعب ولی‌وک، یاری‌وک و بی‌یر است.

۲. امرایی که شامل شعب بازوند، سهراب‌وند، رومیانی، آخه‌جون، پایروند، نظرعلیوند و رشنو است.

۳. گراوند که شعب حسکه، علی‌یار، مهرباب، نویره و قهره‌نمه (qahra nomah) را شامل می‌شود.

۴. کوشکی که شعب تات‌موند، شهرمیر، میر‌آخر، برجلی‌وند و شلووند را دربرمی‌گیرد.

۵. سوری که شامل شعب خدانظر، خاصی، عبدالولی و قرعلیوند است.

۶. آزادبخت که شامل شعب کره‌پا (korrâpâ)، هلل (holal) و ممیوند (mamivan) می‌شود. (امان‌اللهی، ۱۳۷۴: ۱۵۸)

### ازدواج در کوهدشت

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نهادهای بشری، همواره مورد توجه بزرگان و اندیشمندان جامعه بوده است. ازدواج که مقدمه تشکیل خانواده و بنیان اولیه محسوب می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار است و زندگی نسل‌های بعدی به آن بستگی دارد.

به هر حال، ازدواج تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار می‌گیرد و از همین رو، مراسم آن در جوامع گوناگون با آداب و رسوم مختلفی برگزار می‌شود. در هر یک از مناطق لرستان، آیین‌های عروسی و سور، با وجود برخوردار بودن از نقاط مشترک، شیوه‌های خاص خود را دارد که متأثر از خصوصیات فرهنگی، جغرافیایی، قومی، طایفه‌ای و سایر ویژگی‌های هر منطقه است. امروزه در شهر کوهدشت نیز همچنان بسیاری از آداب و رسوم و سنن مربوط به ازدواج رواج دارد.

در این منطقه ازدواج و آیین‌های آن مراحل دارند که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود:

- ۱) خواستگاری (کیخای koixâi) ۲) نامزدی (دسگیرونی dasgiruni) ۳) دعوت کردن (زماچرون zomâčerun) ۴) عقد (نکاح کرونی nekâhkaruni) ۵) بله برون (خرجا برون xarjâbarun) ۶) حنابندان (حناونون hanâvanun) ۷) عروسی (سور sur) ۸) باون بوی (bâvanbovi)

### خواستگاری (کیخای koixâi)

در کوهدشت، شیوه خواستگاری تا تقریباً ۳۰ سال پیش، صورتی کاملاً متفاوت از امروز داشت. به طور معمول، در گذشته، ازدواج دو نفر با یکدیگر، تنها از طریق والدین صورت می‌گرفت و پسر و دختر تا روز عروسی آشنایی چندانی با هم پیدا نمی‌کردند. (خدابخشی، ۱۳۷۱: ۱۷۶)

امروزه این شیوه تا حد زیادی تغییر کرده است و انتخاب همسر با توافق عروس و داماد صورت می‌گیرد. پس از پیشنهاد و تماس‌های اولیه با پدر عروس، پاسخ قطعی به اطلاع خانواده پسر می‌رسد و در صورت توافق دو خانواده، روزی برای خواستگاری رسمی تعیین می‌شود. یکی از رسم‌هایی که در گذشته پیش از خواستگاری رواج داشت، رسم «سرجه» (seraja) بود. این سنت به منظور شناسایی خانواده دختر از سوی خانواده پسر انجام می‌گرفت. به این شکل که یک یا دو زن میانسال و کاردان، با زیرکی و کنجکاوی خاصی، حالات و رفتار، حرکات و کارهای دختر را زیر نظر می‌گرفتند و نظر خود را درباره خانواده دختر به خانواده پسر گزارش می‌دادند.

در روز خواستگاری، خانواده داماد به خانه عروس می‌روند و بزرگ خانواده داماد به عنوان نماینده آنان حرف می‌زند و موضوع خواستگاری را مطرح می‌کند. آن گاه به شرح شرایط داماد می‌پردازد و شرایط خانواده عروس را جویا می‌شود تا در نهایت، خانواده داماد با خانواده عروس به توافق می‌رسند. البته امروزه علاوه بر جلب رضایت والدین عروس، موافقت عروس نیز لازم است. در گذشته، پدر و اقوام دختر برای او تصمیم می‌گرفتند و دختر حتی در صورت مخالفت تابع و تسلیم تصمیمات نهایی می‌شد اما اکنون برخلاف گذشته، دختران برای انتخاب همسر اظهار نظر می‌کنند هر چند که در هنگام ازدواج، مطیع تصمیم پدر و برادران خود هستند. در عین حال، والدین دختر نیز برای کسب اجازه و تکلیف و نیز راهنمایی بیشتر، موضوع خواستگاری را نزد اقوام نزدیک (پدربزرگ‌ها، دایی‌ها و عموها) مطرح می‌کنند و نظر آنان را جویا می‌شوند. البته این امر بیشتر به لحاظ احترام گذاشتن به بزرگ‌ترهای فامیل صورت می‌گیرد.

### نامزدی (دسگیرونی *dasgiruni*)

بعد از خواستگاری رسمی و جواب قطعی خانواده عروس و انجام برخی تشریفات، زمانی را برای نامزدی مشخص می‌کنند که به طور معمول روزهای فرد و بویژه سه‌شنبه‌هاست. در دسگیرونی، خانواده داماد و بعضی اقوام بسیار نزدیک همچون عمو، دایی، خاله و عمه‌ها همراه با چند دست رخت و تن‌پوش زنانه و چادر سفید راهی خانه عروس می‌شوند. مادر داماد حلقه نامزدی، «کلکونه» (*kelkuna*) را به نشانه نامزدی در دست دختر می‌کند. خانواده عروس هم در این روز اقوام نزدیک خود را دعوت می‌کنند. این مراسم را گاهی اوقات خانواده‌ها در همان روز خواستگاری برگزار می‌کنند که البته بهتر است برای احترام بیشتر به خانواده عروس در همان روز خواستگاری انجام نگردد.

### دعوت کردن (زماچرون *zomâçerun*)

منظور از «زماچرون» دعوت کردن از داماد است. در زبان لکی «زُما» به معنی داماد و «چرون» به معنی دعوت کردن است. یک شب پس از مراسم نامزدی یا دسگیرونی از طرف خانواده عروس از داماد دعوت به عمل می‌آید؛ این رسم را در گویش لکی زماچرون می‌گویند. برادر بزرگ عروس برای دعوت داماد به خانه آنها می‌رود و او را به خانه خودشان دعوت می‌کند. پس از صرف شام، داماد مبلغی پول روی سفره می‌گذارد و پدر یا بزرگ‌تر دختر هم مقدار کمی از آن را به داماد بازمی‌گرداند که این کار نوعی احترام به خانواده داماد محسوب می‌شود و به معنی آن است که خانواده دختر این پسر را به عنوان داماد پذیرفته‌اند و نمی‌خواهند او را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار دهند. پدر یا بزرگ‌تر دختر در این جلسه توصیه‌هایی به داماد می‌کنند و روزی را برای عقد پیشنهاد می‌دهند.

### عقد (نکاح کرونی *nekâhkaruni*)

مرحله بعدی ازدواج، «نکاح کرونی» است. برای این منظور، چند روز قبل از مراسم عقد، عروس همراه با داماد و چند نفر از زنان فامیل، برای خرید روانه بازار می‌شوند؛ این خرید شامل لباس و طلا برای عروس است. در این روز از طرف خانواده عروس، حلقه و برخی هدایای دیگر نیز برای داماد خریداری می‌شود. خانواده داماد هم خلعتی‌هایی را که

برای خانواده عروس در نظر گرفته شده خریداری می‌کنند و برای مادر عروس می‌برند. اگر عروس مادر بزرگی نیز داشته باشد برای او هم خلعتی می‌برند. از دیگر کارهای جانبی مرتبط با عقد، دعوت از دوستان و اقوام هر دو طرف و تدارک وسایل پذیرایی در روز عقد است. این وسایل از طرف خانواده داماد تهیه می‌شود و آنها را به خانه عروس می‌فرستند. در کوهدشت به طور معمول، جشن روز عقد و عروسی در روزهای فرد هفته (یکشنبه، سه‌شنبه، و پنجشنبه) و نیز جمعه‌ها برپا می‌شود و در این میان، روز سه‌شنبه بیشتر از سایر روزها مورد توجه قرار می‌گیرد.

مراسم عقد در خانه عروس برگزار می‌شود و همه مهمانان به آنجا می‌روند و با شیرینی و میوه و سایر خوراکی‌ها پذیرایی می‌شوند. عاقد را هم به خانه عروس می‌برند و در آنجا خطبه عقد را می‌خوانند. عروس، بله را نمی‌گوید تا زمانی که داماد یا فامیل او هدیه‌ای به عنوان «زون گشونه» (zongošuna) یعنی زبان گشودن به او بدهند. همچنین هنگام رفتن به سر سفره عقد نیز تا هدیه‌ای از طرف داماد یا فامیل او نگیرد سر سفره نمی‌نشیند. هنگام بله گفتن عروس، نوزاد پسری را به این نیت بر روی پایش می‌گذراند که فرزند اوّل او پسر باشد.

در این روز، مهمانان و خانواده عروس و داماد به رقص محلی و پایکوبی می‌پردازند. مطربان که در اصطلاح محلی به آنها لوطی می‌گویند (به گفته اکثر مردم اصل و ریشه آنها از کولی‌هاست و زبان آنان بسته به محلی که در آن زندگی می‌کنند ممکن است لری یا لکی باشد) ساز و دهل می‌نوازند و مردان در دسته‌های منظم پایکوبی می‌کنند. در این مراسم، یک نفر به عنوان سردسته «سرچوبی» (sarčupi) دستمالی را در دست می‌گیرد و متناسب با آهنگی که نواخته می‌شود دستمال را می‌چرخاند و بقیه دسته، منظم و هماهنگ با او به حرکات موزون می‌پردازند. در این حین، مهمانان و خانواده‌های عروس و داماد پولی را با عنوان «شواز» (šavâz) یا «شوازونه» به مطربان (لوطیان) می‌دهند که در واقع منبع درآمدی برای مطربان محسوب می‌شود. علاوه بر این، در این روز زنان و دختران دور عروس حلقه می‌زنند و بیت‌ها و ترانه‌های محلی می‌خوانند.

در پایان این مراسم از طرف اقوام نزدیک یا دوستان هدایایی به عروس و داماد داده می‌شود. در گذشته و قبل از تأسیس دفاتر رسمی، مراسم عقد به دو صورت انجام می‌گرفت یا در محل و با حضور پیش‌نماز مسجد و یا به این ترتیب که دختر و پسر به دو نفر معتمد و کالت می‌دادند و آنها را به شهرهای کرمانشاه، بروجرد یا خرم‌آباد می‌بردند تا عقد کنند و پس از آن، روز عروسی را تعیین می‌کردند. (حیدری، ۱۳۸۰: ۱۹۳)

### بله‌برون (خرج‌ابرون *xarjâbarun*)

روز خرج‌ابرون روز تعیین شیربها و مهریه و چانه‌زدن سر کم یا زیاد کردن آن است. در این مراسم، خانواده داماد همراه چند نفر از بزرگان و بستگان نزدیک، با اطلاع قبلی به خانه عروس می‌روند. خانواده عروس نیز بزرگان و بستگان نزدیک خود را دعوت می‌کنند. هزینه این روز را به طور معمول خانواده داماد می‌پردازند به این معنی که مقداری میوه و شیرینی را به اندازه تعداد دعوت‌شدگان پیشاپیش به خانه عروس می‌فرستند. در منزل عروس بعد از صرف میوه و شیرینی، از دو طرف، هر کدام یک نفر را به عنوان نماینده (که بزرگ‌تر آنان است) برمی‌گزینند تا در مورد شیربها و مهریه صحبت کنند. ابتدا پدر و اقوام دختر، مقدار شیربها و مهریه مورد نظر خود را پیشنهاد می‌کنند و سپس نماینده و طرف داماد سعی می‌کند تا مبلغ و مقدار درخواستی را کم کند؛ به این ترتیب، هر دو طرف با هم به مذاکره می‌پردازند تا بعد از گفتگو به توافق برسند.

مبلغ و حدود شیربها و مهریه بسته به توان طرفین متفاوت است. پیش‌تر، شیربها؛ مبلغ نقد، گوسفند یا تفنگ بود اما امروزه در اغلب موارد پول نقد پرداخت می‌شود. چنانچه دختر دارای موقعیت اجتماعی بالاتر یا تحصیلات بیشتر باشد یا با غیرفامیل ازدواج کند، مبلغ مهریه و شیربها را بالا می‌گیرند. در این مجلس، بزرگان نقش مهمی بر عهده دارند. پس از دریافت نظر هر دو طرف، مبلغ، مقدار نهایی و مدتی را که شیربها باید پرداخت شود، پیشنهاد می‌کنند و آن را به دو خانواده اطلاع می‌دهند. هر دو خانواده ملزم به قبول پیشنهاد بزرگان هستند. این مرحله یکی از مراحل حساس ازدواج است زیرا در صورت به توافق نرسیدن در مورد مهریه و شیربها ممکن است ازدواج صورت نگیرد. امروزه به طور



معمول، مبلغ شیربها را صرف خرید اقلامی از جهیزیه می‌کنند. مبلغ این پول چندان زیاد نیست و گاهی هم بعضی از خانواده‌ها از گرفتن آن خودداری می‌کنند.

در پایان مراسم، صورت‌جلسه‌ای که در آن مقدار و مبلغ شیربها، جهیزیه و سایر مسائل قید شده است، به امضای بزرگان حاضر در جلسه می‌رسد و به طور معمول، به عنوان سندی نزد پدر عروس می‌ماند. البته لازم است توضیح داده شود که مراسم خراج‌برون یا بله‌برون، همیشه هم با تشریفات یاد شده همراه نیست یعنی ممکن است دو خانواده با موافقت هم مقدار مهریه و شیربها را تعیین کنند. امروزه در اغلب موارد، دختر و پسر، طی دوران نامزدی با راهنمایی خانواده خود شیربها و وسایل مورد نیاز برای زندگی مشترک را تعیین و قبل از عروسی برای خرید آنها اقدام می‌کنند.

#### حنابندان (حناونون hanâvanun)

این مراسم، شب قبل از عروسی در منزل عروس برگزار می‌شود. ابتدا خانواده داماد، برنج و روغن و سایر لوازم را به اندازه تعداد کسانی که دعوت شده‌اند، پیشاپیش به خانه عروس می‌برند و سپس در هنگام غروب، چند نفر از زنان بزرگ فامیل (در اصطلاح محلی به این زنان پابوی pâbovi می‌گویند) همراه با چمدانی که حاوی مقداری حنا و رخت‌های عروسی است، از خانه داماد به خانه عروس می‌روند. در گذشته، وظیفه این زنان آماده کردن عروس بود اما امروزه حضور آنان جنبه تشریفاتی دارد. در گذشته دست، پا و سر عروس را حنا می‌بستند مقداری میخک و «ملهو»<sup>۱</sup> (malhu) بر گردن او می‌انداختند و مقداری پول و نقره بر سرداری و «کلنجه» (kolenja) وی می‌دوختند. همچنین به دست و گردن عروس مهره‌های رنگی می‌آویختند و او را برای رفتن به خانه بخت آماده می‌کردند. (همان: ۱۹۴)

در شب حنابندان، بعد از صرف شام، همراهان داماد (پابوی) بر کف دست عروس حنا می‌گذاشتند زیرا کوهدشتی‌ها اعتقاد داشتند که حنای شب حنابندان مراد می‌دهد. همچنین دختران و زنان حاضر در مراسم هنگامی که می‌خواستند چمدان حاوی وسایل عروس را

۱. میوه درخت معطر، خوشبو و وحشی به نام درخت قلنگ و ملهو

باز کنند، پولی را به عنوان «سرکیسونه» (sarkisuna) به مادر عروس می‌دادند و سپس، زنان همراه داماد، وسایل و رخت‌های عروس و مادر عروس نیز جهیزیه‌ای (جیازی jeyâzi) را که برای عروس تدارک دیده بود، به حاضران نشان می‌دادند. پس از آن، مدعوین شکلات و شیرینی می‌خوردند و زنان، ترانه‌ها و بیت‌هایی را با هم می‌خواندند و نوازندگان (لوطی‌ها) و مطربان ساز و دهل می‌نواختند.

یکی از کارهایی که زنان همراه داماد (پابوی) در شب حنابندان انجام می‌دهند، دستبندی زنانه، هر چند ناچیز به وسایل یا لوازمی است که در خانه عروس وجود دارد. این دستبرد باید از دید زنان و دختران فامیل پنهان بماند. آنان این کار را دارای شگون می‌دانند و اعتقاد دارند که برای عروس خیر و برکت می‌آورد. به طور معمول، خانواده عروس، آمادگی این دستبرد را دارند و برای جبران، هدیه‌ای را برای زنان همراه داماد به عنوان «دست خیر» فراهم می‌کنند. لازم است یادآوری شود که وسایل برداشته شده، بعدها به عروس تحویل داده می‌شود.

در این شب، مادر عروس، شام عروس را نیز برای فردای عروسی مهیا می‌کند. این شام از روغن حیوانی، بلغور، گندم برشته، مغز گردو، کشمش، مغز بادام، شکر، ادویه و مانند آن تهیه می‌شود.

بعد از انجام این امور، بعضی از زنان همراه داماد به خانه خودشان می‌روند اما اکثر آنان شب را در خانه عروس می‌مانند. در اینجا مراسم شب حنابندان به پایان می‌رسد.

### عروسی (سور)

قبل از مراسم عروسی، خانواده داماد به کمک اقوام و آشنایان وسایل و لوازم مورد نیاز عروسی را فراهم می‌کنند. این وسایل شامل وسایل پذیرایی (هیزم و کپسول گاز، دیگ‌های بزرگ، برنج، روغن، قند، چای، گوشت و سایر اقلام) آماده کردن و فرستادن کارت دعوت برای اقوام و آشنایان با برنامه‌ریزی قبلی، مهیا کردن یک مکان بزرگ و مناسب برای پذیرایی از دعوت‌شدگان، خرید لباس و طلا و جواهر برای عروس، آماده کردن برخی اسباب لازم مانند قالی و سایر امور است.

در گذشته، اقوام و آشنایان همه سوار بر اسب‌ها و مادیان‌های خود، با تیراندازی و شادی به خانه پدر عروس می‌رفتند. به طور معمول پدر داماد همراه سواران می‌رفت و در غیر این صورت عمو یا دایی با آنان همراه می‌شد. به محض اینکه به خانه عروس می‌رسیدند، فامیل عروس به آنها خیرمقدم می‌گفتند. اقوام داماد مادیان مخصوص عروس را با خود به همراه می‌آوردند و روی آن تلمیت (talmit) می‌بستند. پدر داماد، دایی یا عمو هم به داخل خانه پدر عروس می‌رفتند و کمر او را می‌بستند. سپس مقداری نان، پنیر، قند و نبات در داخل شال کمر عروس می‌گذاشتند و او را سوار بر مادیان می‌کردند. (همان: ۱۹۵)

امروزه در روز عروسی، جشنی هم در خانه داماد برگزار می‌شود. این جشن از صبح شروع می‌شود و مهمانان را برای ناهار دعوت می‌کنند. خانواده داماد از صبح خیلی زود وسایل پذیرایی و جشن را آماده می‌کنند.

قبل از ظهر؛ داماد، اقوام و دسته‌ای از نوازندگان و لوطی‌ها با آواز و ترانه و شادی‌کنان برای آوردن عروس به خانه داماد، رهسپار خانه پدر عروس می‌شوند.

عروس را پس از آراستن آماده حرکت می‌کنند اما پیش از آن، برادر، دایی یا عمو (یکی از محارم) شالی را که حاوی قند و نبات است به کمر عروس می‌بندند و نیت می‌کنند که زندگی آینده آنها شیرین شود. گاهی نیز به این نیت که زندگی آنان پر از برکت و روزی باشد، مقداری نان در شال می‌گذارند. پدر و مادر عروس هم با دختر خداحافظی می‌کنند و با آرزوی خوشبختی و با دعای خیر بدرقه‌اش می‌کنند.

سپس، همگی به همراه فامیل عروس راهی خانه داماد می‌شوند. به طور معمول، هنگامی که عروس وارد خانه داماد می‌شود، گوسفندی را جلوی پای او قربانی می‌کنند و از عروس و داماد می‌خواهند که از روی خون قربانی رد شوند. عروس و داماد پولی را روی قربانی می‌اندازند و وارد منزل داماد می‌شوند. هنگامی که عروس وارد خانه می‌شود، تا هدیه‌ای از داماد یا پدر او نگیرد، نمی‌نشیند. سپس یکی از اقوام داماد، به طور معمول، برادر یا عمو، شال کمر عروس را باز می‌کنند و به مهمانان ناهار می‌دهند. ناهار در اغلب موارد برنج و گوشت است که روی سینی (در اصطلاح محلی مژمه mažma) به مهمانان تعارف

می‌شود. در گذشته، در روز عروسی هنگامی که مهمانان برای صرف ناهار می‌نشستند، با آفتابه یا جام مسی به میان مجلس آنان می‌رفتند تا دست‌هایشان را بشویند. برای این کار ابتدا از بزرگان مجلس شروع می‌کردند و بعد به ترتیب ادامه می‌دادند.

بعد از صرف ناهار، مهمانان پولی را به عنوان «سورانه» (surâna) به داماد می‌دادند تا کمکی برای مخارج متحمل‌شده او باشد. در پایان مراسم نیز مهمانان به عروس و داماد تبریک می‌گفتند و مهمانی را ترک می‌کردند.

از دیگر رسوم روز عروسی، بردن شام عروس به خانه داماد است. این شام را همراه با رفتن عروس، زنان پابوی یا نوجوانان یا زنی از نزدیکان عروس به خانه داماد می‌برند. در هر صورت این شام باید تا قبل از غروب آفتاب به خانه داماد برده شود. از جمله رسوم دیگر مرتبط با عروسی این است که خانواده عروس یک روز بعد از عروسی، با مقداری شیرینی، غذا یا میوه به خانه داماد می‌روند و جویای احوال عروس و داماد می‌شوند.

چند روز پس از عروسی (به طور معمول پنج روز) مادر عروس همراه با چند زن از اقوام نزدیک، با شیرینی به منزل جدید دختر خود می‌روند و پس از صرف ناهار، عروس را که چادر سفید بر سر دارد به خانه پدر می‌آورند. عروس سه تا پنج روز در خانه پدر می‌ماند و بعد از آن پدر عروس هدیه‌ای مناسب در شأن دخترش تدارک می‌بیند که در اصطلاح محلی به آن «باوونی» (bâvoni) می‌گویند. عروس پس از گرفتن هدیه به خانه همسرش باز می‌گردد.

بعد از پایان این مراسم، اقوام و آشنایان، عروس و داماد را به خانه خود دعوت می‌کنند و به اصطلاح آنها را پاگشا می‌کنند و هدیه‌ای نیز به آنها می‌دهند. پس از آن عروس و داماد زندگی جدید خود را شروع می‌کنند.

### جمع بندی

سور یا عروسی در میان طایفه‌های لرستان (لر و لک) مجموعه‌ای از سنت‌ها، عرف و قوانین کهن ایلی همراه با بینش‌های اعتقادی و دینی به جای مانده از روزگاران کهن است.

بررسی ازدواج (سور) و مراسم اجرایی آن محور اصلی این مقاله است. مراسم سور در هر نقطه از ایران با تشریفات و آداب و رسومی همراه است که با وجود برخی تفاوت‌ها وجوه تشابهی نیز با یکدیگر دارند. به این معنی که به طور کلی باعث تحکیم روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم می‌شوند و شکل خاص و بارز آنها منجر به آغاز پیوند دو نفر و فراهم شدن یکی از به یاد ماندنی‌ترین شادمانی‌هاست.

علاوه بر این، برپایی مراسم عروسی، روح همکاری و تعاون مردم کوهدشت و اهالی محل و همسایگان را متجلی می‌سازد. در این مراسم افراد بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و حس همبستگی قومی و قبیله‌ای نمود بیشتری پیدا می‌کند چنان که حتی اگر کینه و کدورتی بین افراد باشد آن را از یاد می‌برند و دوستی و یکدلی را جایگزین کینه می‌کنند. شرکت‌کنندگان در مراسم عروسی پولی را به عنوان «سورانه» (surâna) به منظور کمک به خانواده داماد پرداخت می‌کنند. این سنت رفتاری، یکی از بهترین نمونه‌های همبستگی در میان افراد است. در کوهدشت ازدواج و انتخاب همسر علاوه بر پایه‌ریزی یک خانواده به رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و ایجاد قرابت کمک بسیاری می‌کند.

## منابع

۱. امان‌اللهی بهاورند، سکندر (۱۳۷۴) قوم لر، چ ۲، تهران: آگاه.
۲. حیدری، حجت‌الله (۱۳۸۰) جغرافیای تاریخی الشتر و ریشه نژادی لر، خرم‌آباد: افلاک.
۳. خدابخشی، حاجی‌رضا (۱۳۷۱) عشایر لرستان، قم: دارالنشر قم.
۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸) زمینه فرهنگ‌شناسی، چ ۳، تهران: عطار.
۵. کوزو، لوئیس آلفرد و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه دکتر فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

